

مسابقه پیامکی بانوی کرامت

معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه زنجان

نام: فاطمه

لقب: معصومه

سال تولد: ۱۷۳ هجری قمری

محل تولد: مدینه

نام پدر: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام؛ امام هفتم شیعیان

نام مادر: نجمه (به علت پاکی و طهارت نفس به او طاهره می گفتند)

حضرت فاطمه معصومه علیها سلام روز اول ذیقعد سال ۱۷۳ سال هجری، در شهر مدینه، چشم به جهان گشود. پدر بزرگوار ایشان، امام موسی بن جعفر علیه السلام و مادر گرامی شان، نجمه خاتون است. با آنکه بین ولادت حضرت رضا علیه السلام و ولادت حضرت معصومه علیها سلام بیست و پنج سال فاصله بود، چون امام صادق علیه السلام ولادت چنان دختری را مژده داده بود، از این رو خاندان پیامبر بی صبرانه در انتظار طلوع خورشید وجود حضرت معصومه علیها سلام بودند. امام صادق علیه السلام سال ها قبل از ولادت حضرت معصومه علیها سلام در توصیف قم سخن گفته و آن مکان را حرم خاندان رسالت خوانده و فرمود بود: «به زودی بانویی از فرزندانم به سوی آن کوچ کند که نامش فاطمه دختر موسی بن جعفر است و با شفاعت او همه شیعیانم وارد بهشت می شوند». دوران حیات حضرت فاطمه معصومه علیها سلام با خلافت عباسی هم زمان بود. بنی عباس که با ادعای وابستگی نسبی به خاندان نبوت روی کار آمده بودند، بعد از تثبیت پایه های حکومت خویش، بیش از همه بر فرزندان و نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان ستم روا داشتند و نسبت به آنها از هیچ خشونت و دروغ نورزیدند؛ به گونه ای که امام کاظم علیه السلام سال ها رنج تبعید و زندان را تحمل کرد و دوران کودکی حضرت معصومه علیها سلام با نگرانی از وضعیت پدر و سال ها دوری از ایشان سپری شد.

زیارت حضرت معصومه (س) از منظر روایات

درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها سلام، روایاتی فراوانی از پیشوایان معصوم رسیده است. از جمله، هنگامی که یکی از محدثان بر جسته قم، به نام سعد بن سعد، به محضر مقدس امام رضا علیه السلام شرف یاب می شود، امام هشتم، خطاب به ایشان می فرماید نزد شما قمی ها از ما اهل بیت قبری است. سعد پرسید: قبر فاطمه دختر موسی علیه السلام را می فرمایی؟ فرمود: آری، هر کس او را زیارت کند و عارف به شان و حق وی باشد، بهشت پاداشش خواهد بود. هنگامی که کنار قبر آمدی، نزد سر مقدس، روی به قبله بایست و پس از ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله، بگو: السلام علی آدم صفوه الله، السلام علی نوح نبی الله و...

پیشوای جهان تشیع، امام جعفر صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «هر کس، او را زیارت کند، بهشت بر او واجب می شود» در حدیث دیگری آمده است: «زیارت او، هم سنگ بهشت است» امام جواد علیه السلام فرمود: «هر کس، عمه ام را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست».

کریمه اهل بیت از حضرت معصومه علیها سلام در میان دانشمندان و فقیهان گران قدر شیعه، با لقب «کریمه اهل بیت» یاد می شود. از میان بانوان اهل بیت، این نام زیبا، تنها به آن حضرت اختصاص دارد. بر اساس روایات صادق مرحوم آیت الله مرعشی نجفی، این لقب از طرف امام صادق علیه السلام برای حضرت معصومه علیها سلام انتخاب شده است. در این روایا، امام صادق علیه السلام به آیت الله نجفی که با دعا و راز و نیاز، تلاش پی گیری برای یافتن قبر مطهر حضرت زهرا علیها سلام آغاز کرده، خطاب فرمود: «بر تو باد به کریمه اهل بیت.» مطابق مکاشفه ای که برای بعضی از اولیای خدا روی داده امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمودند: «کسی که مرقد حضرت معصومه علیها سلام را زیارت کند به همان مقصودی نایل خواهد شد که از زیارت قبر حضرت زهرا علیها سلام نایل می

شود». از دیگر مشابهت های حضرت معصومه به حضرت زهرا علیهما سلام فداکاری ایشان در راه اثبات ولایت بود زیرا حضرت معصومه علیها سلام نیز آن چنان تلاش کرد که جان خود را فدا نمود و به شهادت رسید.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «آگاه باشید که برای خدا، حرمی است و آن مکه است و برای پیامبر خدا، حرمی است و آن مدینه است و برای امیرمؤمنان، حرمی است و آن کوفه است. بدانید که حرم من و فرزندانم بعد از من، قم است»، «بدانید بهشت، هشت دروازه دارد که سه تای آن ها به سوی قم است. بانویی از فرزندان من به نام فاطمه، دختر موسی، در آن جا رحلت می کند که با شفاعت او، همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند».

نقل شده که روزی، جمعی از شیعیان، به قصد دیدار حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و پرسیدن پرسش هایی از ایشان، به مدینه منوره مشرف شدند. چون امام کاظم علیه السلام در مسافرت بود، پرسش های خود را به حضرت معصومه علیها سلام که در آن هنگام، کودکی خردسال بود، دادند. فردای آن روز، برای بار دیگر، به منزل امام رفتند. ولی هنوز ایشان از سفر برگشته بود. پس به ناچار، پرسش های خود را باز خواستند تا در مسافرت بعدی به خدمت امام برسند، غافل از این که حضرت معصومه علیها سلام جواب پرسش ها را نوشته بود. وقتی پاسخ ها را دیدند، بسیار خوشحال شدند و پس از سپاس گزاری فراوان، شهر مدینه را ترک کردند. از قضای روزگار، در بین راه، با امام موسی بن جعفر علیه السلام مواجه شده، ماجرای خویش را باز گفتند. وقتی امام، پاسخ پرسش ها را مطالعه کردند. سه بار فرمودند: «پدرش به فدایش».

یک زیارت نامه ی مشهور و زیارت نامه ی غیر مشهور برای حضرت معصومه علیها سلام ذکر شده است. اسامی و لقب هایی که برای حضرت معصومه علیها سلام در دو زیارت نامه غیر مشهور ذکر شده، این هاست: طاهره (پاکیزه)، حمیده (ستوده)، بره (نیکوکار)، رشیده (حداافته)، تقیه (پرهیزگار)، رضیه (خشنود از خدا)، مرضیه (مورد رضایت خدا)، سیده صدیقه (بانوی بسیار راست گو)، سیده رضیه مرضیه (بانوی خشنود خدا و مورد رضای او)، سیده نساء العالمین (سرور زنان عالم). همچنین محدثه و عابده، از صفات و القاب حضرت معصومه علیها سلام است.

بالاترین جایگاه شفاعت، از آن رسول گرامی اسلام است که در قرآن کریم، از آن به «مقام محمود» یاد شده است. هم چنین، دو تن از بانوان خاندان رسول مکرّم اسلام، شفاعت گسترده ای دارند که بسیار وسیع و جهان شمول است و می تواند شامل همه اهالی محشر باشد. این دو بانوی عالی قدر، صدیقه اطهر، حضرت فاطمه زهرا علیها سلام و شفیعه روز جزا، حضرت فاطمه معصومه علیها سلام هستند. در مورد شفاعت گسترده حضرت زهرا علیها سلام، همین بس که شفاعت، مهریه آن حضرت است و به هنگام ازدواج، پیک وحی، طاقه ابریشمی از سوی پروردگار آورد که بر آن، جمله «خداوند مهریه فاطمه زهرا را شفاعت گناه کاران از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار داد» نوشته شده بود. این حدیث را اهل سنت نیز نقل کرده اند. پس از فاطمه زهرا علیها سلام از جهت گستردگی شفاعت، هیچ بانویی به شفیعه محشر، حضرت معصومه علیها سلام نمی رسد. امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «با شفاعت او، همه شیعیان ما وارد بهشت می شوند».

بنابر مستندات رجالی، فرزندان دختر امام کاظم علیه السلام دست کم ۱۸ تن بوده اند و فاطمه، در بین این همه بانوی گران قدر، سرآمد بود. حاج شیخ عباس قمی، آن گاه که از دختران موسی بن جعفر علیه السلام سخن می گوید، درباره فاطمه معصومه (س) می نویسد: «برحسب آن چه به ما رسیده، افضل آن ها، سیده جلیله معظمه، فاطمه بنت امام موسی علیه السلام، معروف به معصومه است» بعد از جناب عباس بن علی علیهما السلام و علی اکبر علیه السلام فاطمه معصومه علیه السلام شاید تنها امامزاده ای است که زیارتنامه ویژه دارد. در این زیارت که در مفاتیح الجنان نقل شده، از نظر سند و متن، نکاتی در خور تامل است.

منزلت کریمه اهل بیت نزد

در زمینه مقام حضرت معصومه علیها سلام در بین علما گفته ها فراوان است که به صورت فهرست وار به نمونه هایی اشاره می کنیم:

۱- صدر المتألهین شیرازی: هر گاه شبهه ای برایم پیش می آمد کنار قبر حضرت معصومه علیها سلام در قم (از کهک) می آمدم و از آن حضرت استمداد می کردم و شبهه فلسفی من حل می شد.

۲- آیه الله بروجردی: شاه وقت عربستان از آیه الله بروجردی درخواست ملاقات می کند، ایشان درخواست ملاقات را رد می کند و می فرماید: این شخص اگر قم بیاید به زیارت حضرت معصومه علیها السلام نرود توهین به آن حضرت خواهد شد و من تحمل آن را ندارم به هیچ وجه.

۳- آیه الله مرعشی: معظم له هنوز در قید حیات بود، فرمود: تا کنون شصت سال است که هر روز من اولین زائر حضرتم.

۴- علامه طباطبائی رحمه الله علیه: هنگام روزه پیش از افطار به حرم ملکوتی کریمه اهل بیت حضرت معصومه مشرف می شد و با بوسه بر مزار آن بانوی بزرگ عالم اسلام روزه خود را می گشود.

امام صادق علیه السلام فرمود: قم شهر ما و شهر شیعیان ماست، پاک و مقدّس است. اهل آن ولایت ما را پذیرفته اند و امام کاظم علیه السلام در معرفی قم چنین فرمود: «قم عَشْرُ آلِ مُحَمَّدٍ و مأوای شیعتهم؛ قم مأوای آلِ مُحَمَّدٍ و پناهگاه شیعیان ماست.» و امام صادق علیه السلام در بیانی دیگر ویژگی اهل قم را اینگونه بیان فرمود: قم را قم نامیدند، زیرا اهلس به قائم آلِ مُحَمَّدٍ می پیوندند و با آن حضرت (بر ضد طاغوت ها) قیام می نمایند و با کمال استقامت و استواری به یاری او می پردازند..

محمد ابراهیم کلباسی، مرجع معاصر مرحوم میرزای قمی هنگامی که از اصفهان به قم می آمد، از در پل علیخانی و یا از مسجد امام حسن عسگری کفش های خود را بیرون آورده و بدست می گرفت و تا حرم پیاده می رفت و می فرمود: در اینجا علمای ابرار و اصحاب ائمه و محدثان بسیار آرمیده اند و سراسر این قسمت -اطراف حرم- قبول آن بزرگواران است.

شهر مقدّس و مذهبی قم در طول تاریخ شاهد قتل عامهای مکرّر و صدمات جبران ناپذیری از سوی ستمگران بوده است، از جمله آن ها می توان به قتل عام در عهد مأمون، زمان معتزّ پسر متوکل عباسی، دوران حمله مغول، افغان ها و نادرشاه اشاره کرد که اکثراً بدلیل اختیار کردن مذهب تشیع از سوی مردم شهر بوده است. موضع گیری علمای مبارزی چون میرزای قمی در مقابل فتحعلیشاه، آیت الله حائری در برابر رضاخان، فریاد مقاومت آیت الله بافقی روبروی رضا شاه و ایستادگی آیت الله بروجرودی و امام خمینی رحمه الله علیه در رویارویی با رژیم پهلوی مؤید پیشتازی این دیار در نشر اسلام و محو شرک و طاغوت به شمار می آید با این وصف در طول زمان، قم علاوه بر آنکه چشمه جوشان علم و معارف حقّه شیعه بوده تربیت شدگانش پاسداران امین و صالح دین خدا و سرزمین گهر خیزش خاستگاه انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی فرزند حوزه علمیه قم می باشد و اولین جرقه انقلابی در مبارزه با تجاوزگری ها و ظلم و فساد طاغوت در قیام ۱۵ خرداد و سپس در اعتراض به توهین رژیم علیه مرجعیت در این شهر زده شد.

توجه ائمه معصومین درباره قم در بیان و عمل حائز اهمیت است. از جمله اینکه امام رضا علیه السلام می فرماید: بهشت دارای هشت در است، یک از آن ها برای قمی هاست و سه مرتبه فرمود: خوشا به حالشان. آن حضرت به زکریا بن آدم که قصد بیرون رفتن از شهر قم را داشت فرمودند: از قم بیرون نرو همانا خداوند به خاطر تو بلا را از اهل قم دور می سازد همانطور که به برکت وجود مقدّس موسی بن جعفر علیه السلام بلا را از اهل بغداد دور نمود. قم به واسطه خورشید ولایت، حرم مطهر حضرت معصومه علیها سلام و نور علم و دانش فقه جعفری متبلور از حوزه ها و مدارس علمیه و همچنین وجود مسجد مقدّس جمکران که تجلی گاه امام زمان و محل رفت و آمد ایشان و انس و علاقه دلدادگان به ساختش می باشد و در میان دیگر شهرها ممتاز است. چنانچه امام صادق علیه السلام فرمودند: زمانی خواهد آمد که شهر قم و اهلس حجت بر تمام مردم شوند.

نقل است یکی از شیعیان به زیارت بارگاه حضرت رضا علیه السلام در مشهد رفت و سپس از مسیر همدان به کربلا رفت رد بین راه در رؤیایی راستین حضرت رضا علیه السلام را دید که به وی فرمود: چه می شد اگر از قم عبور می کردی و قبر خواهرم را زیارت می کردی و باز می نویسد امام رضا علیه السلام با اشاره به اهمیت زیارت حضرت معصومه علیها سلام فرمودند: هر کس نتواند به زیارت من بیاید برادرم (امامزاده حمزه) را در ری و یا خواهرم -معصومه علیها سلام- را در قم زیارت کند که به همان ثواب زیارت من می رسد.

در فراز یکی از زیارتنامه های ایشان می خوانیم: «السلام علیک یا فاطمة بنت موسی بن جعفر و حجتة و امینه» سلام بر تو ای فاطمه دختر موسی بن جعفر و حجت و امین او، آن حضرت حجت و امانتدار پدرش امام کاظم علیه السلام بود که در این صورت حجت و امین خدا بوده و حجت و نشانه اسلام و حافظ امانت الهی می باشد. و از راویان و محدثان به شمار می آید. به عنوان نمونه می توان به دو حدیث که حضرت در سلسله راویان آن می باشد اشاره کرد. علامه امینی می نویسد: فاطمه دختر امام رضا علیه السلام نقل می کند که دختران امام کاظم فاطمه (معصومه) و زینب و ام کلثوم گفتند: روایت کرد ما را فاطمه دختر امام صادق علیه السلام و او گفت روایت کرد مرا فاطمه دختر امام باقر از فاطمه دختر علی بن الحسین از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام از ام کلثوم (دختر فاطمه زهرا) و او از فاطمه زهرا علیها سلام نقل کرد که آن حضرت فرمود: آیا فراموش کردید فرمایش رسول خدا رحمه الله علیه را در روز غدیر که (به شما) فرمود: هر کس من مولی و رهبر او هستم پس علی مولا و رهبر اوست و نیز به علی فرمود: نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی است. همچنین نقل گردیده که: فاطمه معصومه علیها سلام از فاطمه دختر امام صادق علیه السلام و او از فاطمه دختر امام باقر علیه السلام و او از فاطمه دختر امام سجاد علیه السلام و او از فاطمه

دختر امام حسین علیه السلام و او از زینب دختر امیرالمؤمنین علیه السلام و او از فاطمه زهرا علیها سلام نقل می کند که رسول خدا فرمود: «الا من مات علی حبّ آل محمد مات شهیداً؛ و بدانید هر کس با محبت آل محمد بمیرد شهید مرده است».

نوشته اند مرحوم آیه الله میرزا رضی تبریزی از مجتهدین بزرگ برای خواندن فاتحه بر سر قبر زکریا بن آدم که در شیخان قم است می آید، در حین قرائت فاتحه به فکر می رود که آیا زکریا بن آدم با آن جلالت قدر و رفعت و روایاتی که درباره اش وارد شده بالاتر است یا حضرت معصومه علیها سلام که ناگهان یک نفر که کلاه نمدی به سر داشته پیش می آید و به وی می گوید: ان بالا را بخوان، ایشان ابتدا اعتنایی نمی کند اما پس از رفتن مرد نگاه می کند می بیند نوشته شده: «السلام علی ارواح محمد و آل محمد فی الارواح، السلام علی اجساد محمد و آل محمد فی الاجساد» یعنی سلام بر ارواح محمد و آل محمد در میان ارواح و سلام بر اجساد محمد و آل محمد در میان اجساد، در این حال متوجه می شود که آن شخص به ظاهر معمولی، فکر او را خوانده و از آنچه در ذهنش گذشته باخبر شده و بدین وسیله تردید او را پاسخ گفته که: حساب حضرت معصومه که از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است با سایرین جداست و هیچ کس قابل مقایسه با این خاندان نیست. و دلدادگی به حضرتش همان پذیرش ولایت معصومین و مقبول درگاه الهی است.

راز ورود حضرت فاطمه معصومه (علیها سلام) به شهر قم

حضرت معصومه به هنگام شهادت پدر که در سال ۱۸۳ رخ داده ده سال داشت. و بیشتر دوران کودکی را در ایام غم (زندانی پدر) گذراند، ولی زندگی در کنار برادرش -امام رضا- شعله های امید را در دلش زنده نگه می داشت. اما با سفر تبعید گونه امام هشتم علیه السلام به مرو، حضرت معصومه یکسال بدون برادر در مدینه زندگی کرد. تا اینکه نامه ای از حضرت رضا به وی رسید، او که دلش برای دیدن برادر بی تاب شده، بلافاصله همراه عده ای از برادرانش به نامهای فضل، جعفر، هادی و قاسم و زید و تعدادی از برادرزاده ها و چند تن از غلامان و کنیزان مدینه را به قصد مرو ترک نمود.

در طول راه به ساوه رسیدند و وقتی مخالفین اهل بیت از رسیدن آنان به شهر مطلع شدند و آزار و اذیت و جنگ با همراهان حضرت پرداختند و همه برادران و برادرزادگان حضرت معصومه علیها سلام به شهادت رسیدند. هنگامی که حضرت جسدهای غرق به خون و پیکرهای صدمه دیده ۲۳ تن از عزیزان خود را نقش بر زمین دید. به شدت محزون شد و در اثر این مصائب به شدت بیمار گردید و بنابر قولی از زهری که معاندان در غذایش ریختند مسموم شد. دختر و الا تبار موسی بن جعفر با وضعیت جسمی و روحی که داشت و احساس ناامنی که در شهر ساوه می کرد فرمود: مرا به شهر قم ببرید که از پدرم شنیدم، شهر قم مرکز شیعیان ما می باشد.

در روز ۲۳ ربیع الاول ۲۰۱ هجری فاطمه معصومه وارد قم شد. وقتی بزرگان قم از آمدن آن بانو به شهرشان باخبر شدند، برای استقبال از ایشان مهیا گردیدند و "موسی بن خزرج" بزرگ خاندان اشعری در پیشاپیش جمعیت حرکت کرد و مهار ناقة آن حضرت را گرفت و در حالی که عده ای سواره و پیاده اطراف محملش تجمع نموده بودند با قربانی کردن مقدمش را گرامی داشتند ناقة حضرت در محلی که امروز به نام «میدان میر» نامیده می شود، زانو به زمین زد و این افتخار نصیب موسی بن خزرج، بزرگ اشعریان شد تا هفده روز میزبان خواهر امام باشد.

در مدت اقامت ایشان در قم که هفده روز ذکر کرده اند در خانه موسی بن خزرج بسر می برد و در آنجا عبادتگاهی داشت که به راز و نیاز با پروردگار خویش مشغول بود، محل زندگی حضرت بعدها به صورت مدرسه درآمد و به مدرسه "ستیه" (مدرسه خانوم) مرسوم گردید. و محراب عبادتش به بیت النور شهرت یافت که در طول زمان پناهگاه و محل زیارت دوستداران و متوسلین به حضرتش می باشد.

در این وقت بین جمعیت گفتگو در گرفت که چه کسی جنازه را داخل قبر گذارد. سرانجام متفق شدند تا شخصی به نام قادر که پیرمردی پرهیزکار و صالح بود این کار را انجام دهد. چون به سراغش رفتند ناگهان مشاهده کردند دو سواره که نقاب به صورت داشتند از طرف ریگزار به سوی آنان آمدند و از مرکب پیاده شده و به تجهیز آن بانوی مکرمه پرداختند. یکی وارد قبر شد و دیگری جسد پاک آن حضرت را برداشته به دست او داد تا به خاک سپارد. آن دو بزرگوار بدون اینکه با کسی تکلمی کنند بر اسبهای خود سوار شده و از محل دور شدند. بنابر نظر خیلی از بزرگان آن دو تن حضرت رضا علیه السلام و فرزندش امام جواد علیه السلام بودند.

بعد از پایان مراسم، موسی بن خزرج سائبانی از بوریا بر قبر شریف آن حضرت برافراشت، تا زمانی که حضرت زینب دختر امام نهم وارد قم گردید و قبّه ای از آجر بر مرقد مطهر بنا کرد و بدین سان تربت پاکش در دل شهر قم قبله گاه ارادتمندان شیعه از سراسر جهان گردید.

بعدها که در کنار مرقد حضرت بانوان دیگری به خاک سپرده شدند از جمله میمونه و ام محمد دختران موسی مبرقع از نوادگان امام جواد، ام قاسم، دختر علی کویکی، ام اسحق جاریه محمد فرزند موسی مبرقع و ام حبیب جاریه ابو علی نوه امام رضا. شایسته است کسانی که حضرت معصومه را زیارت می کنند این بزرگواران را یاد کنند و جمله وارده را قرائت کنند:

السلام علیکن یا بنات رسول الله السلام علیکن و رحمة الله وبرکاته.

اولین گنبد بر مرقد حضرت فاطمه معصومه به همت حضرت زینب دختر امام جواد علیه السلام ساخته شد و به مرور زمان و پس از دفن بانوان علوی در جوار بارگاه آن حضرت، دو گنبد دیگر در جوار گنبد اول بنا گردید که سومین آن ها مدفن حضرت زینب دختر امام جواد بود. این سه گنبد تا سال ۴۴۷ هـ. ق برقرار بودند تا این که در همان سال وزیر طغرل کبیر - میر ابو الفضل عراقی - به تشویق شیخ طوسی به جای سه گنبد، گنبد مرتفعی آراسته به نقش های رنگ آمیزی و تزئینات آجری بنا نهاد که تمام قبور سادات را فرا می گرفت. در سال ۹۲۵ هـ. ق همین گنبد به همت شاه بیگی بیگم دختر شاه اسماعیل تجدید بنا شد.

در سال ۱۲۱۸ هـ. ق گنبد مطهر با خشت های طلایی تزیین گشت که تا سال ۱۳۸۰ هـ. ق باقی ماند که طبق طرحی از این سال تا ۱۳۸۴ ش گنبد تعمیرات اساسی شد. مرقد مطهر در اوایل قرن هفتم هجری به فرمان امیر مظفر احمد بن اسماعیل (بزرگ خاندان سلسله مظفری) و با کوشش بزرگترین استاد کاشی سازی آن عصر به کاشی های نفیس و زرفام آراسته گردید که در سال ۱۳۷۷ ش با آمیخته ای از کاشی و سنگ تجدید بنا شد، در سال ۹۶۵ هـ. ق شاه طهماسب صفوی برای مرقد ضریحی آجری همراه منافذی مزین به کاشی های هفت رنگ و کتیبه های معرق بنا کرد که در سال ۱۲۳۰ هـ. ق همان ضریح نقره پوش شد، در سال ۱۲۸۰ ضریحی از نقره تهیه و به جای قبلی نصب گردید که چندین بار اصلاح و بازسازی شد، این ضریح در سال ۱۳۸۰ ش تعویض گردید. اولین صحنی که در این بارگاه مبارک ساخته شد صحن عتیق نام دارد که شاه بیگی دختر شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۲۵ هـ. ق بنا نمود. این صحن چهار ایوان دارد. ایوان طلا در جنوب با دو مأذنه که در سال ۱۲۸۵ این مأذنه ها نیز طلاکاری گردید. ایوان شمالی که ورودی مدرسه فیضیه به صحن می باشد و ساختمان نقاره خانه بر رویش بنا گردیده است. ایوان غربی (ورودی مسجد اعظم به صحن)، ایوان شرقی (رابط صحن اتابکی با صحن عتیق) صحن اتابکی (صحن نو) دارای چهار ایوان می باشد که در هر کدام جلوه های هنری و معماری دیده می شود. احداث آن به دستور اتابک اعظم و از سال ۱۲۹۵ هـ. ق تا ۱۳۰۳ طول کشید، ایوان زیبای آینه در جانب غربی آن قرار دارد. رواق های حرم عبارتند از رواق بالاسر، رواق دارالحفاظ، رواق آیینه و رواق پیشرو. در سمت غرب حرم مسجد اعظم واقع است که کلنگ اول آن در یازده ذی قعدة ۱۳۷۳ هـ. ق به دست توانای آیت الله بروجردی (ره)، به زمین زده شد.

ابو مقاتل دیلمی می گوید: از حضرت علی بن محمد امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: إنما سمی قم به لأنه لما وصلت السفینة الیه فی طوفان نوح قامت و هو قطعاً من بیت المقدس. همانا قم به این اسم نامیده شد زیرا کشتی نوح علیه السلام در جریان توفان بدانجا رسید، ایستاد و حرکت نکرد و آن قطعه ای از بیت المقدس است. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: إذا عمّت البلدان الفتن فعلیکم بقم و حوالیها فإنّ البلاء مدفوع عنها. هنگامی که فتنه ها و آشوبها شهرها را فرا گرفت بر شما باد که به قم و حوالی و نواحی آن رو بیاورید زیرا که بلا از قم و اطراف و جوانب آن دفع شده است.

راز عدم ازدواج حضرت معصومه (س)

پیش از ورود به مبحث اصلی این مقاله، باید یاد آور شویم که در اسلام بر امر ازدواج تأکید و سفارش فراوان شده است. در روایات نیز تعبیرات تأمل برانگیزی درباره ازدواج آمده است که به راحتی نمی توان از کنار آن گذاشت. زنی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: من زن تارک دنیا هستم. حضرت فرمود: منظورت از ترک دنیا چیست؟ عرض کرد: نمی خواهم هرگز ازدواج کنم. حضرت پرسید: چرا؟ عرض کرد: دنبال کسب فضیلت هستم. حضرت فرمود: از این کار دوری کن. اگر در این کار فضیلتی بود، فاطمه از تو به آن سزاوارتر بود. هیچ کس نیست که در فضیلت بر او سبقت گیرد. حال این پرسش رخ می نماید که حضرت معصومه (س) با آن مقام علمی و آگاهی ای که از دستورهای اسلام و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشت، چرا ازدواج نکرد و تشکیل خانواده نداد؟ این نکته را هم اضافه کنیم که نه تنها حضرت معصومه علیها سلام ازدواج نکرد، بلکه هیچ یک از دختران موسی بن جعفر ازدواج نکردند. راز عدم ازدواج حضرت معصومه و خواهران او را نه در وصیت پدر باید جستجو کرد و نه در نبود همسر متناسب و هم کفو، علت آن، وجود اختناق شدید هارونی و مأمونی بود که باعث شد احدی جرئت نکند به راحتی به خانه موسی بن جعفر و بعد از او فرزندش رفت و آمد داشته باشد و داماد آن خانواده گردد. از طرف دیگر، زندانی شدن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و سرانجام شهادت او، و احضار شدن حضرت رضا علیه السلام به خراسان و دورافتادن از خواهران، مزید بر این علت بود.

پس از شهادت امام موسی کاظم علیه السلام مقام امامت و جانشینی آن حضرت، به امام رضا علیه السلام رسید. پس از مرگ هارون الرشید و درگیری امین و مأمون بر سر قدرت، آرامشی نسبی برای امام رضا علیه السلام فراهم شد تا فرصت یابد به رسالتی که در نشر مبانی صحیح اسلامی میان امت بر عهده داشت، قیام و اقدام کند. آن حضرت در سایه شرایط مناسبی که فراهم شده بود، به طور علنی امامت خویش را بیان می کرد و حکومت را غاصب می دانست. با کشته شدن امین و به قدرت رسیدن مأمون، مشکلات فراوانی در برابر این خلیفه جدید قرار داشت. مأمون به سبب از دست دادن محبوبیتش در میان خاندان عباسی و همچنین گرایش مردم به علویان و شورش هایی که در حمایت از علویان بر پا می شد، به دنبال راه حلی بود تا مشروعیت حکومت خویش را اثبات کند. برای این منظور، وی با زیرکی مسئله «ولایتعهدی امام رضا علیه السلام» را مطرح کرد و آن حضرت را مجبور ساخت تا مدینه را به جانب خراسان ترک کند. مأمون، امام علیه السلام را مختار کرده بود تا در سفر به خراسان، هر کدام از افراد خانواده اش را می خواهد، همراه خویش بیاورد؛ اما آن حضرت به سبب نارضایتی از ترک مدینه، هیچ یک را با خود همراه نکرد. ایشان قبل از حرکت، خاندان خود را گرد آورد و از آنان خواست برای او گریه کنند و فرمود: «من دیگر به میان خانواده بر نخواهم گشت». آن گاه وارد مسجد رسول خدا شد تا با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وداع کند. آن حضرت چندین بار وداع کرد و باز به سوی قبر جدش بازگشت و با صدای بلند گریست.

با رفتن امام رضا (علیه السلام) از مدینه، بار دیگر غم و اندوه بر خاندان ایشان حاکم گشت و نگرانی هایش افزون شد. دختران امام کاظم علیه السلام نیز هر یک بنا به توانایی و تکلیف خویش، مسئولیت های مهمی را ایفا کردند و به تشریح دیدگاه امامت و ولایت و روشن ساختن اذهان زنان پرداختند. نکته جالب اینکه دختران امام هر یک عالمانی بودند و به نقل روایات مستند و احادیث معتبر در مورد فضایل امام علی (علیه السلام)، عاشورا و... در جهت استمرار ولایت و معرفی امام زمان خویش می کوشیدند. در این میان، حضرت فاطمه معصومه علیها سلام با تاسی به عمه بزرگوارش حضرت زینب علیها سلام در مقابل تهدید و فشارهای حکومت علیه خاندان عصمت علیها سلام علاوه بر فعالیت های علمی و روایی و بیان احادیث درباره غدیر خم، ولایت و امامت، در حرکتی سیاسی- اجتماعی همراه برادران خویش به عرصه مبارزه وارد شد و «هجرت» را به عنوان عامل اعتراض به وضعیت موجود بر می گزیند. امام صادق علیه السلام درباره فضیلت قم فرموده بود: «آگاه باشید که برای خدا حرمی هست و آن، مکه است و برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم حرمی می باشد و آن، مدینه است و برای امیرمؤمنان (علیه السلام) حرمی وجود دارد و آن، کوفه است. آگاه باشید که حرم من و فرزندانم بعد از من، قم می باشد».

ایشان از کودکی تا جوانی تحت تربیت پدر بزرگوارش و برادر مکرمش حضرت رضا علیه السلام قرار داشت و در علم و تقوا و پاسخ به پرسش های مراجعان به مقامی رسید که مدال افتخار «فداها ابوها» از پدر خود دریافت داشت. آن حضرت در طهارت نفس امتیازی خاص و بسیار والاداشت که امام هشتم برادر تری آن حضرت او را (که نامش فاطمه بود) معصومه خواند و فرمود: «من زار المعصومه بقم کمین زارنی» (کسی که حضرت معصومه علیها سلام را در قم زیارت کند مانند آن است که مرا زیارت کرده است).

مقام علم و عرفان او در مرحله ای است که حضرت رضا علیه السلام در فرازی از زیارتنامه معروفش به ما آموخته که در کنار مرقدش خطاب به او بگوییم: «یا فاطمه اشفعی لی فی الجنة فان لک عندالله شانا من الشان» (ای فاطمه! در بهشت از من شفاعت کن چرا که تو در پیشگاه خداوند دارای مقامی بس ارجمند و والا هستی). بدون تردید، در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام، بعد از حضرت رضا علیه السلام، حضرت معصومه علیه السلام، از نظر علمی و اخلاقی، والا مقام ترین آنان است. از اسامی، لقب ها، تعریف ها و توصیفات که ائمه اطهار علیهم السلام از ایشان گفته اند، این حقیقت، آشکار و روشن می شود که ایشان نیز چون حضرت زینب علیها سلام، «عالمه غیر معلمه» بوده است.

«شیخ محمدتقی تستری»، در «قاموس الرجال»، حضرت معصومه علیها سلام را بانوی اسوه معرفی کرد و می نویسد: «در میان فرزندان امام کاظم علیه السلام، بعد از امام رضا علیه السلام، کسی هم شأن حضرت معصومه علیها سلام نیست». در بسیاری از آیات و احادیث به آموختن و فراگیری علوم دینی سفارش شده است و از آنجا که «تعلیم و تعلم» از اصول اساسی اسلام است، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که کانون اصلی معارف الهی بودند، به تعلیم و تعلم کودکانشان اهتمام می ورزیدند. در خانواده امام موسی بن جعفر (علیه السلام) نیز شرایط و زمینه برای تعلیم و تعلم فرزندان فراهم بود. فرزندان آن حضرت، هر یک بنا به استعداد و ظرفیت های وجودی خویش، از این شرایط استفاده می کردند. حضرت فاطمه معصومه علیها سلام در چنین محیطی در میان خانواده ای عالم تحت آموزش پدر و مادر و برادر بزرگوارش با معارف اسلامی آشنا شد و به سرعت مراحل رشد علمی را پیمود و به مراحل بالای علوم دینی به گونه ای دست

یافت که از ایشان به عنوان یکی از «بانوان عالم شیعه» یاد می شود. شرایط سخت و اختناق موجد در زمان زندگی آن حضرت، مانع از ثبت کامل فعالیت ها و فضایل خاندان اهل بیت بود؛ با این همه، اطلاعاتی که از فعالیت علمی حضرت معصومه علیها سلام بر جای مانده، بیانگر جایگاه والا و عظمت علمی آن حضرت است.

دوران کودکی

روزی جمعی از شیعیان به قصد دیدار امام موسی بن جعفر علیه السلام به مدینه منوره مشرف شدند و پرسش هایی داشتند که می خواستند از محضر امام کاظم علیه السلام بپرسند. امام علیه السلام در سفر بود، ایشان پرسش های خود را نوشته و به حضرت معصومه علیها السلام تحویل دادند. روز بعد که می خواستند از مدینه به سوی وطن خود برگردند، برای دریافت پاسخ به منزل امام علیه السلام شرفیات شدند. امام کاظم علیه السلام مراجعت نفرموده بود و آنها امکان توقف نداشتند، از این رو حضرت معصومه علیها سلام پاسخ آن پرسش ها را نوشت و به آنها تسلیم کرد. آنها با خوشحالی فراوان از مدینه خارج شدند. در مسیر، با امام کاظم علیه السلام رو به رو شدند و داستان خود را برای آن حضرت شرح دادند. هنگامی که امام علیه السلام پرسش های آنان و پاسخ های دخترش حضرت معصومه علیها سلام را ملاحظه کرد، سه بار فرمود: «فداها ابوها؛ پدرش فدایش باد!». با توجه به اینکه حضرت معصومه علیها سلام به هنگام دستگیری پدر، کودکی بیش نبود، این واقعه از جایگاه رفیع و دانش بسیار آن حضرت در آن سنین حکایت می کند و نشان از هوش و درایت فراوان ایشان دارد.

محدثه بودن آن حضرت

فشارهای سیاسی و ظلم و جور عباسیان در دوران زندگانی حضرت معصومه علیها سلام سبب شده بود که نقل احادیث بسیار دشوار گردد؛ با این حال، نام آن حضرت در سلسله روایان چند حدیث باقی مانده است که بیانگر «محدثه» بودن آن حضرت است. همه این احادیث در محور «امامت و ولایت» استوار است و همگی به عنوان اسنادی برای اثبات حق خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تأکید بر وصایت حضرت امیرمؤمنان (علیه السلام) به کار می روند. از باب تبرک، برخی از روایاتی را که حضرت معصومه علیها سلام نقل کرده، ذکر می کنیم:

۱. حدیث غدیر و منزلت

حضرت معصومه علیها سلام و خواهرانش (زینب و ام کلثوم) فرمودند: حدیث کرد برای ما، فاطمه دختر امام صادق علیه السلام و او گفته است که فاطمه دختر امام باقر علیه السلام، از فاطمه دختر علی بن الحسین، از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام و آنها از ام کلثوم دختر فاطمه علیها سلام نقل کردند که فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «آیا فراموش کرده اید سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در روز غدیر خم که فرمود: من مولای هر که هستم، علی هم مولای او است. و فرمود: [ای علی!] تو برای من، همانند هارون برای موسی علیه السلام هستی؟».

۲. حدیث معراج

فاطمه دختر حضرت رضا علیه السلام نقل کرد از فاطمه و زینب و ام کلثوم، دختران موسی بن جعفر علیه السلام، و آنها از فاطمه دختر امام جعفر صادق علیه السلام، از فاطمه دختر محمد بن علی علیه السلام، از فاطمه دختر علی بن الحسین علیه السلام، از فاطمه و سکینه، دختران حسین بن علی علیه السلام، و آنها از ام کلثوم دختر علی علیه السلام، و او از فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که از پیامبر شنیدم که فرمود: «وقتی مرا به آسمان بردند و داخل بهشت شدم، در آنجا قصری از درّ و یاقوت و بر در آن پرده ای آویخته بود. سرم را بلند کردم، دیدم بر در نوشته است: «خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد، رسول خداست و علی، ولی و صاحب اختیار مردم است». بر پرده نیز نوشته شده بود: «مبارک باد بر کسانی که همانند شیعیان علی هستند!» داخل شدم و در آنجا قصری از عقیق سرخ میان تهی دیدم که دری از نقره داشت که به زبرجد سبز زینت شده و بر آن در نیز پرده ای آویخته بود. سرم را بلند کردم، دیدم بر در نوشته شده بود: «محمد، فرستاده خدا و علی، وصی مصطفی است». بر پرده نیز نوشته شده بود: «شیعیان علی را به پاک سرشتی (فرزندان) بشارت ده!». داخل شدم، قصری از زبرجد سبز میان خالی دیدم که از آن ندیده بودم. این قصر دری از یاقوت سرخ داشت که با مروارید زینت شده بود و بر آن در پرده ای آویخته شده بود. سرم را بلند کردم، دیدم بر پرده نوشته شده بود: «شیعیان علی، رستگاران اند». گفتم: حبیبم، جبرئیل! این قصر از آن کیست؟ گفت: از آن پسر عمو و جانشین تو، علی بن ابی طالب است و همه مردم در روز قیامت، برهنه پای و بی لباس محشور می گردند، جز شیعیان علی، و همه مردم را به اسم مادرانشان صدا می زنند، مگر شیعیان علی را که به اسم پدرانشان صدا زده می شوند. گفتم: حبیبم، جبرئیل! چرا چنین خواهد بود؟ گفت: چون اینها علی را دوست می دارند و لذا پاک سرشت هستند».

۳. ثواب دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

فاطمه دختر حسین رضوی، از فاطمه دختر محمد رضوی، از فاطمه دختر ابراهیم رضوی، از فاطمه دختر حسن رضوی، از فاطمه دختر محمد موسوی، از فاطمه دختر عبدالله علوی، از فاطمه دختر حسن حسینی، از فاطمه دختر ابوهاشم حسینی، از فاطمه دختر محمد بن احمد بن موسی مبرقع، از فاطمه دختر احمد بن موسی مبرقع، از فاطمه دختر موسی مبرقع، از فاطمه بنت امام ابی الحسن الرضا، از فاطمه دختر موسی بن جعفر، از فاطمه دختر جعفر بن محمد صادق، از فاطمه دختر محمد بن علی باقر، از فاطمه دختر علی بن الحسین سجاد زین العابدین، از فاطمه دختر ابا عبدالله الحسین، از زینب دختر امیرمؤمنان، از فاطمه دختر رسول الله روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَلَا مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا؛ آگاه باشید! هر کس که بر محبت و دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است».

منابع

عیون الأخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۱

دلایل الامامه، محمد بن جریر طبری

تاریخ الیعقوبی، احمد بن وهب واضح یعقوبی، ج ۲

تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، محمد جواد فضل الله

زن، دین، سیاست، زهرا آیت اللهی

هجرت کریمه (بررسی دوران امام رضا علیه السلام و علل هجرت حضرت معصومه علیها السلام)، فرزانه نیکوبرش

الحیاه السیاسیة الإمام رضا (علیه السلام)، جعفر مرتضی عاملی

تاریخ قم

نقض، عبدالجلیل قزوینی رازی

زندگی نامه کریمه اهل بیت علیها السلام، علی اکبر مهدی پور

احقاق الحق و ازهاق الباطل، سید نورالله حسینی مرعشی تستری، ج ۶، ص ۲۸۲؛ الغدیر، علامه امینی، ج ۱

فوائد الرضویة، شیخ عباس قمی، تحقیق: ناصر باقری بیدهندی، ج ۱، ص ۱۲۲؛ سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۱

عوالم العلوم و المعارف و الأحوال، ج ۲۱

سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲

بانوی ملکوت، آیت الله کریمی جهرمی، ج ۱

حضرت معصومه فاطمه دوم، محمد محمدی اشتهازدی، ج ۱

الغدیر، علامه امینی، ج ۱

بانوی کرامت

فروغی از کوثر

کریمه اهل بیت

فروغی از کوثر

پیام آستانه، نشریه آستانه مقدسه حضرت فاطمه معصومه (س)، ش ۱۸،

بانوی ملکوت، آیت اله کریمی جهرمی

حسین مظاهری، جهاد با نفس، ج ۴،

مجله حوزه، شماره ۴۳

جواد محدثی، پیام زن، شماره ۱۱

بحار الانوار، مجلسی، ج ۹، ۴۸، ۴۹، ۵۷، ۶۰، ۱۰۳